

روایهایی که می‌آیند

ساسان گلفر

cinemaglobe.blogfa.com

اشباح یاغی

■ دنباله‌های آثار موفق و پرفروش که در این ستون معرفی شده‌اند و همین‌طور نمونه‌ای دیگر که دو روز پیش در همین صفحه بررسی شد (شرلوک هلمز: بازی سایه‌ها)، تنها آثاری نیستند که در روزهای پیش از سال نو میلادی مورد استقبال قرار می‌گیرند. مستندهای دیدنی هم بازار خودشان را دارند، حتی آنها که سال‌ها پیش ساخته شده‌اند، مثل فیلم «داگروتایپز» آنیس واردا و همچنین مستند «باله فندق‌شکن گبورگی بالابچین» محصول ۱۹۹۳ که هفته گذشته بار دیگر به روی پرده رفت.

■ ■ ■

ماموریت غیرممکن – پروتکل شیخ



Mission: Impossible – Ghost Protocol

چهارمین فیلم مجموعه سینمایی «ماموریت غیرممکن» را بژد پرد کارگردانی کرده که پیش از این چند انیمیشن موفق از جمله «آراتوبی» ساخته است. در این تریلر اکشن با فیلمنامه جاش ایلیم و اندره نمیک، گروه IMF به شرکت در یک توطئه بین‌المللی تروریستی متهم و تعطیل می‌شود بنابراین ایتان هانت (تام کروز) و گروه یاقیان تکرو و جوسورش با تشکیل دادن پروتکل شیخ وارد عملیاتی مخفیانه برای از میان بردن بدنامی ایجادشده برای تشکیلات خود می‌شوند و البته با تبهکاری‌انی که اندیشه نابودی همه دنیا را در سر دارند، می‌جنگند. جرمی رنر، پائولا پاتن، سایمون پگ، آنیل کاپور و لنا سلیو از دیگر بازیگران این فیلم ۱۳۳دقیقه‌ای هستند.



مستندی در گرامیداشت راجر کورمن، کارگردان / تهیه‌کننده/نویسنده‌ای که با ساختن آثار ارزان‌قیمت و پرطرفدار در ۶۰ سال گذشته یکی از بانفوذترین چهره‌های هالیوود بوده است. در این مستند ۹۵دقیقه‌ای به کارگردانی آلکس استاپلتن، اهمیت کار با کورمن از زبان شخصیت‌هایی همچون مارتین اسکورسیزی، رابرت دنیرو، جک نیکلسن، ران هاوارد، جانانن دمی، پیتز فالد، بروس درن، دیوید کارادین، کونتینس تارانتینو، ویلیام شاتنر، برت راتنر و پیتز باگدانویچ -مشاهیری که تعدادی از آنها با کمک راجر کورمن توانسته‌اند وارد عرصه بازیگری یا فیلمسازی شوند- بازگو و بخش‌هایی از آثار او نمایش داده می‌شود.

داگروتایپز



Daguerrotypes

۳۵ سال بعد از ساخته شدن و نمایش این مستند، بار دیگر سالن‌های سینما در نیویورک و چند شهر دیگر آن را به نمایش درآورده‌اند. عنوان فیلم از یکی از شیوه‌های اولیه عکاسی در قرن نوزدهم گرفته شده که به نام عتشر،ش، لویی داگر، داگروتایپ خوانده می‌شود. البته مستندساز مشهور فرانسوی، خلم آنیس واردا (سازنده «کلنو از ۵ تا ۷») در این مستند ۸۰دقیقه‌ای به تصاویر زیبای مغازه‌های کوچک و مغازه‌داران خیابانی در پاریس پرداخته که «رو داگ» نام دارد و فیلمساز مدت ۵۰ سال در آن مکان زندگی کرده است. فیلم محصول مشترک آلمانی غربی و فرانسه ۱۹۷۶ است.

الوین و موش خرماها – خرماشکسته



عنوان دومین قسمت از مجموعه‌فیلم‌های زنده/انیمیشن «آلوین و موش خرماها» به کشتی شکسته موش خرماها اشاره دارد. در این فیلم، موش خرماها که می‌خواهند از تعطیلات خود استفاده کنند، سوار بر کشتی به مسافرتی تفریحی می‌روند اما در نیمه راه کشتی آنها در هم می‌شکند و وقتی آنها به جزیره‌ای استوایی پناه می‌برند، درمی‌یابند که زمین بازی نام‌شان چندان هم خالی از سکنه نیست. مایک میچل (کارگردان «شرک برای همیشه» این کمدی خانوادگی) قافس قسرن بیشترین را کارگردانی کرده و جسی لپن، دیوید کراس، جسی استی، جاستین لانگ، آنا فاریس و کریستینا اپلیگیت از بازیگران و صدایشانگان فیلم هستند. فیلم با زمان نمایش ۸۷ دقیقه و درجه G به نمایش درآمده است.

سینمای جهان

راجر کورمن، زندگی و آثار

غولی در اعماق سینمای عامه‌پسند

وحیداله موسوی



سکانس مرگ قاتل سرکش



سکانس کشتن

یکی از ویژگی‌های او استفاده و ایجاد فرصت برای افرادی است که بعدها سینماگرانی معروف می‌شوند. در «سابقه‌دهندگان جوان»، فیلمی ورزشی حادثه‌ای از فرانسیس فورد کاپولا به عنوان دستیار اول، صابردار و مکانیک فنی و اشعه ایکس» و… که ایده اولیه در بیشتر آنها هراس از جنگ اتمی یا پیامدهای ناشی از آن است. او از ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷، ۱۲فیلم می‌سازد. در فیلم «حمله‌هیولاهای خرنجگی» بار دیگر به سراغ دنیای زیر آب می‌رود. برای این فیلم از ماکت خرجتگی ساخته شده از خمیر استفاده می‌شود که ۴/۵متر ارتفاع دارد و قطعات آن را با سیم به هم وصل کرده‌اند، فیلمی آمیخته با طنز و دلهره که فروش خوبی دارد. به ژانرهای مختلفی می‌پردازد، ژانرهایی عامه‌پسند و پرفروش که می‌توانند سرمایه کافی را برای فیلم‌های بعدی او فراهم کنند. او از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ هشت فیلم براساس آثار دلهره‌آور نویسنده محبوب دوران کودکی‌ش، ادگار آلن پو می‌سازد: «خمحه و پاندول»، «کلاغ»، «داستان‌های وحشت»، «موره لا»، «گره سیاه»، «قلب مرگ سرخ»، «حقایقی در مورد آقای دار» و «المار» و «هسوط خلدان» او یک سه‌گانه کمدی کش می‌شود. با فروش کم به دست، «کوکب وحشت»، «موجودی از دریای جن‌زده»، فیلم‌هایی در ژانر موزیکال («کارنوال راک»، «هر شب راک»، در ژانر فانتزی ماجراجایی («زنان وایکینگ و افعی در یایی»، «سفر»، «گلز-ز-ز-ز»، آثاری در ژانر جنایی-پلیسی («هروسک نوجوان»، «قاتل زنان اراننده»، «من خلافکار»، «کلی مسلسل به دست»، «امان‌لعتنی»، فیلم‌هایی جنگی («حمله ارتش اسکپی‌بازان»، «تهاجم سری»، «فن ریشتهوفن و براون»، فیلم‌هایی تاریخی – ماجراجایی- حادثه‌ای («طلس»، «برج لندن»، «قتل عام سن والتین» و… می‌سازد، فیلم‌هایی با داستان‌هایی غیرعادی و رگه‌هایی ترسناک، تقطیع سریع و حرکات شناور دوربین که کاراکترهای نامتعارف، نورپردازی و ترکیب‌بندی‌های جذاب دارند. او فیلم‌هایش را در عرض چند روز می‌سازد، به‌عنوان نمونه «سطل خون» را در پنج‌روز با تعداد اندکی دکور، «دکان کوچک وحشت» را در دو روز با دکوری از پیش موجود و «موجودی از دریای جن‌زده» را با استفاده از دکورهای باقی‌مانده از فیلم «آخرین زن روی زمین» (با فیلمنامه‌ای از رابرت تاون) می‌سازد. او این شیوه‌ها را در بیشتر فیلم‌های خود به کار می‌گیرد تا جایی‌که این ویژگی‌ها به فرمول راجر کورمنی معروف می‌شوند.



نگاهی به فیلم «ماموریت غیرممکن – پروتکل شیخ»

ترس از ارتفاع

تیم گریبرسن، ترجمه: پریا لطیفی‌خواه

«پروتکل شیخ» مانند «ماموریت غیرممکن ۳» از شوخی‌ها و حس طنزی بهره می‌برد که هدفش کاستن از بار سنگین سکانس‌های اکشن جدی و پر خطر و عظیم‌تر از زندگی عادی است. با اینکه این شیوه ممکن است در مواردی سردرگمی سرگیجه‌آورش نسخه زنده‌ای از انیمیشن «شگفت‌انگیزها» دانست، متأسفانه به نظر می‌رسد برد یا کارگردانی بازیگران زنده‌ای از جنس گوشت و خون راحت نیست. لحظه‌های احساس‌برانگیز گاه و بیگاه فیلم به شکل قابل توجهی تخت و بی‌حس و حال هستند اما او استاد نمایشگری است و ثابت می‌کند که این را بسیار مهم‌تر می‌داند. بر بدون آنکه چیدمان دوربینش را بیش از حد نمایشگرانه یا خودارگاه نشان دهد، فیلمش را که بیش از دو ساعت طول می‌کشد با یک اکشن هوشمندانه و تأثیرگذار به خوبی پیش می‌برد.

«پیرانا»، «بردی فراتر از ستارگان»، «رابان اعماق»، «هالیوود بولوار»، «مزرعه آتش»، «گناهان کبیره» و…اکران می‌کند.

در سال ۱۹۸۳، شرکت خود را به قیمت ۱۶/۵میلیون دلار می‌فروشد و بلافاصله یک شرکت پخش فیلم با نام کنکورد فیلمز/ نیو هورایزن به‌راه می‌اندازد. این شرکت حیطه فعالیت‌های خود را به فروش‌های خارجی، تلویزیون‌های کابلی و فیلم‌های ویدیویی گسترش می‌دهد. او در این دهه و نیز دهه بعد با پیش فروش فیلم‌ها به بازار ویدیوی خانگی، سود سرشاری به دست می‌آورد و همچنان به تهیه فیلم‌هایی در ژانرهای کم‌دی‌هائای ماجراجایی، ترسناک و علمی –تخیلی و نیز فیلم‌های خانوادگی می‌پردازد.

نتیجه اینکه با توجه به فضای به وجودآمده در جامعه آمریکا، به ویژه از دهه ۵۰ به بعد، بستر مناسبی برای افرادی مانند کورمن فراهم شد تا خارج از نظام بوروکراتیک و دست و پاگیر استودیویی و رسمی به ساخت فیلم‌هایی بپردازند که از کاراکترهایی سرسری، داستان‌هایی غیرعادی آمیخته با نقد اجتماعی برخوردار باشند. یکی از فیلم‌های معروف او «غریبه» نام داشت، فیلمی براساس مضمون استفاده می‌کند. در سال ۱۹۶۱ که درباره جان اف. کندی و مصادف با نهضت حقوق مدنی درمورد تبعیض نژادی بود، این فیلم که براساس داستانی واقعی بود، در لوکیشن‌های واقعی فیلمبرداری شد؛ زمانی که هنوز تعصبات نژادی وجود داشت و ساختن این فیلم با تهدیدها و مخاطرات فراوانی روبه‌رو بود. «فرشتگان وحشی»، «سفر» و بسیاری از فیلم‌های دیگرش نیز آشکارا از جریان‌های روز در جامعه ناشی می‌شدند. در این فیلم‌ها به شکل هوشمندانه‌ای از جلوه‌های ویژه مکان‌ها، دوربین و استعدادهای تازه استفاده می‌شد و نکته مهم اینکه با بودجه‌ای ناچیز و در عرض ۵ تا ۱۰ روز ساخته می‌شدند. برخی منتقدان فیلم‌های او را ادامه همان سنت نمایش فیلم‌های رده ب می‌دانستند (هرچند او خود از قبایل فیلم‌هایش با فیلم‌های رده ب راضی نیست و معتقد است که رده ب فیلم‌هایی اطلاق می‌شود که در دوران بحران اقتصادی بوجودآمده بودند، تا اوایل دهه ۵۰هاامه داشتند و آنها را معمولاً با بازیگران تازه‌کار یا از رده خارج‌شده سریع و ارزان می‌ساختند. در شروع کار او، این‌گونه فیلم‌ها به دلیل فراگیر شدن تلویزیون، حکم پارامونت و فیلم‌های رنگی پرزنتی از دور خارج شده بودند)، شاید بتوان گفت سینمای عامه‌پسند او و آدم‌های دیگری مانند او، پیش‌درآمدی برای سینمای زیرزمینی در دهه ۱۹۶۰ بود، همان سینمایی که قوانین ممیزی را نادیده می‌گرفت. هرچند نباید این دو را با هم یکی دانست، راجر کورمن بیشتر «پاپ سینمای عامه‌پسند» است که با منطق، ماجراجویی، زیرکی و جرأت به ساختن فیلم‌هایی قابل قبول (از منظر زیبایی‌شناسی و فروش) در ژانر علمی –تخیلی، ترسنتن، تریلر و… اقدام کرد، او بیرون از قید و بندهای معمولی هالیوود، رکوردی باورنکردنی از خود به جا گذاشت، یکی از اولین تهیه‌کنندگانی بود که به ضرورت و مقرون به صرفه‌بودن فیلمبرداری در اروپا پی برد. حتی بارها و بارها از صحنه‌های از پیش ساخته‌شده برای فیلم‌های متعدد استفاده کرد. او با هوشمندی در پی راه‌های تازه برای کاهش هزینه و نهایت‌استفاده از امکانات قابل دسترس بود. در کارنامه درخشان و پر ثمر کورمن معرفی و حمایت و کشف استعدادهایی سینمایی نیز به چشم می‌خورد. حتی با نگاهی به عنوان کتاب سرگذشت او (چگونه صد فیلم در هالیوود ساختم و بیش‌تر از دست نادم) می‌توان به شم و استعداد غریزی‌اش در عرصه سینما پی برد. راجر کورمن اسانی است هنجارشکن، خلاق و همه فن حریف. بی‌غول.

نتیجه کارش را با سیستم IMAX تماشا کنند. حتی در این‌ دوران گرافیک رایانه‌ای که تویی مگواپر «مرد عکبتویی» می‌تواند بسیار راحت‌تر از کروز از ساختمان‌ها آویزان شود، تماشاگران می‌توانند بدلکاری واقعی را تشخیص دهند و شباهت آن با خطری واقعی را در یابند. کروز در طول هشت روز فیلمبرداری واقعا در معرض خطر بود. گرگ اسمرز، سرپرست بدلکاری فیلم که مسوولیت زنده نگه داشتن کروز به او سپرده شده بود، می‌گوید: «همه جای ساختمان را اندازه‌گیری کرده بودیم و یک ماکت از آن ساخته بودیم و در لس‌آنجلس آن را آزمایش کردیم. مشکلات زیادی وجود داشت. شاید ۲۰۰ ساعت را صرف تمرین و سعی کردیم بفهمیم که آن کار از چطور می‌توانیم انجام بدهیم.» گروه بدلکاری از ماه‌ها قبل ماکت دقیقی از آن قسمت برج خلیفه را در اندازه واقعی بر مبنای صدها عکس ساخته بودند و شیشه‌ها را به اندازه‌ای که شباهت وضعیت زیر آفتاب امارات متحده عربی شود، حرارت داده بودند. اسمرز از زیردستانش خواسته بود افندر کار را تکرار کنند که کروز بتواند آن سکانس شش دقیقه و ۴۵ ثانیه‌ای را در خواب هم اجرا کند – آن جمله سقوط آزادی به اندازه چهار طبقه در جایی که از تکیه‌گاش را از دست می‌دهد و در عملیاتی مشابه آنچه به آن «اپل استرالیایی» می‌گویند، روی دیواره برج می‌دود.

برج خلیفه یک شاهکار مهندسی است؛ ساختمانی از جنس فولاد و فلز به ارزش یک و نیم میلیارد دلار که سر به آسمان می‌ساید. دنیی استودیو سیتی، مرجع رسمی سینمایی آن شهر اعلام کرده که تقریباً هزار درخواست مجوز فیلمبرداری از برج را در سال آخرین دریافت کرده است. گروه بدلکاری همچنین مجبور بود مقامات رسمی را برای امضا کردن مجوز فیلمبرداری ترغیب کند. مدیرت برج برای کسب اطمینان از اینکه هیچ چیز باعث نشود خبر دلخراشی به کیتی هلمز، همسر کروز داده شود، دو مهندس را به صورت ناموقت به کار گرفت تا بر همه چیز نظارت داشته باشند. اسمرز می‌گوید: «هرگز تضمینی وجود نداشت. می‌انستیم بگوییم به احتمال ۹۹/۹ درصد ایمن است اما همیشه امکان دارد چیزی اشتباه از کار درآید و هیچ‌کس هم نمی‌تواند کاری در این مورد انجام دهد.» هر تکه کابل که مورد استفاده قرار گرفت و همچنین هر وسیله‌ای که برای پیچیدن کابل‌ها به کار گرفته شد، در آزمایشگاه با دقت امتحان شد. کروز بالاخره در پایان آخرین روز فیلمبرداری صحنه به سلامت به داخل اتاق بازگشت به گفته برد، کروز در آن موقع رو به کار گردان کرد و لبخند بزرگی روی لبانش نقش بست. بعد پرسید: «کی دیواره برمی‌گرددیم؟»

کوتاه‌شده از نیویورک دیلی نیوز منبع: اسکرین دیلی

چشم‌اندازی در مه

«پروتکل شیخ» چگونه ساخته شد

بالا تر از خطر

ایتان سنکر



■ فیلم‌های اکشن پرفروش معمولاً به سکانس‌های فوق‌العاده پرهیجانی اتکا دارند که لازم است تماشاگران حین تماشای آنها حس ناباوری خود را موقتاً کنار بگذارند. این کنار گذاشتن ناباوری در مورد «ماموریت غیرممکن – پروتکل شیخ» باید در ارتفاع یک‌چهارم مایل بالاتر از سطح زمین اتفاق می‌افتاد. هرچه باشد، فقط در تخیل سرزنده یک فیلمنامه‌نویس ممکن است یک شخصیت عاقل به میل خود از دیواره خارجی برج خلیفه دویی بالا برود و ۱۲۳ طبقه بلندترین ساختمان دنیا را ببیماید، فقط و فقط برای آنکه به اتاقی برسد که یک سرور کامپیوتر در آن قرار دارد. خیلی دور از ذهن است. چنین اتفاقی فقط موقعی به وقوع می‌پیوندد که ستاره فیلم، تام کروز باشد و خودش را در معرض خطر آویخته شدن در فاصله ۱۷۰۰ فوت (۵۲۰ متر) بالاتر از سطح زمین قرار دهد. این ارتفاع تقریباً ۲۵۰ فوت بالاتر از ساختمان امپایر استیت با به حساب آوردن مناره مخروطی بالای آن است. در جریان هشت روز فیلمبرداری این سکانس، فقط یک کابل به ضخامت سیم پیاپی باعث می‌شد بازیگر ۴۹ساله از یکی از پوسلزترین ستارگان هالیوود به یکی از عبرت‌آموزترین افسانه‌های آن بدل نشود. بژد برد کارگردان در مصاحبه با دیلی‌نیوز گفت: «یک شب، بعد از روزهای اول فیلمبرداری، از فکر اینکه ستاره عزیز کرده‌مان از حدود یک مایل بالاتر در هوا از سیمی باریک آویزان می‌کنیم، وحشت‌زده به تخت‌خوابم چسبیده بودم و مخم داشت سوت می‌کشید. هم‌ااش برای این بود که بتوانیم یک لحظه را بسازیم که مویر بر تماشایگر خود شی و ما به خوبی برنامہ‌ریزی کرده بودیم. این بخش از فیلم با دقت تهاجم روز D (حمله متفقین به نورماندی در جنگ جهانی دوم) برنامہ‌ریزی شده بود.»

این هفته در جشنواره فیلم دویی، خبرنگارها از تام کروز پرسیدند که در روز اول فیلمبرداری، وقتی از پنجره می‌روید، رفته بود و بد او را مثل بادبانی که دیواره برج می‌کوبید، چه در ذهنش می‌گذشت. او پاسخ داد: «امیدوار بودم که نیفتم.» او نیفتاد و تماشاگران توانستند



نتیجه کارش را با سیستم IMAX تماشا کنند. حتی در این‌ دوران گرافیک رایانه‌ای که تویی مگواپر «مرد عکبتویی» می‌تواند بسیار راحت‌تر از کروز از ساختمان‌ها آویزان شود، تماشاگران می‌توانند بدلکاری واقعی را تشخیص دهند و شباهت آن با خطری واقعی را در یابند. کروز در طول هشت روز فیلمبرداری واقعا در معرض خطر بود. گرگ اسمرز، سرپرست بدلکاری فیلم که مسوولیت زنده نگه داشتن کروز به او سپرده شده بود، می‌گوید: «همه جای ساختمان را اندازه‌گیری کرده بودیم و یک ماکت از آن ساخته بودیم و در لس‌آنجلس آن را آزمایش کردیم. مشکلات زیادی وجود داشت. شاید ۲۰۰ ساعت را صرف تمرین و سعی کردیم بفهمیم که آن کار از چطور می‌توانیم انجام بدهیم.» گروه بدلکاری از ماه‌ها قبل ماکت دقیقی از آن قسمت برج خلیفه را در اندازه واقعی بر مبنای صدها عکس ساخته بودند و شیشه‌ها را به اندازه‌ای که شباهت وضعیت زیر آفتاب امارات متحده عربی شود، حرارت داده بودند. اسمرز از زیردستانش خواسته بود افندر کار را تکرار کنند که کروز بتواند آن سکانس شش دقیقه و ۴۵ ثانیه‌ای را در خواب هم اجرا کند – آن جمله سقوط آزادی به اندازه چهار طبقه در جایی که از تکیه‌گاش را از دست می‌دهد و در عملیاتی مشابه آنچه به آن «اپل استرالیایی» می‌گویند، روی دیواره برج می‌دود.

برج خلیفه یک شاهکار مهندسی است؛ ساختمانی از جنس فولاد و فلز به ارزش یک و نیم میلیارد دلار که سر به آسمان می‌ساید. دنیی استودیو سیتی، مرجع رسمی سینمایی آن شهر اعلام کرده که تقریباً هزار درخواست مجوز فیلمبرداری از برج را در سال آخرین دریافت کرده است. گروه بدلکاری همچنین مجبور بود مقامات رسمی را برای امضا کردن مجوز فیلمبرداری ترغیب کند. مدیرت برج برای کسب اطمینان از اینکه هیچ چیز باعث نشود خبر دلخراشی به کیتی هلمز، همسر کروز داده شود، دو مهندس را به صورت ناموقت به کار گرفت تا بر همه چیز نظارت داشته باشند. اسمرز می‌گوید: «هرگز تضمینی وجود نداشت. می‌انستیم بگوییم به احتمال ۹۹/۹ درصد ایمن است اما همیشه امکان دارد چیزی اشتباه از کار درآید و هیچ‌کس هم نمی‌تواند کاری در این مورد انجام دهد.» هر تکه کابل که مورد استفاده قرار گرفت و همچنین هر وسیله‌ای که برای پیچیدن کابل‌ها به کار گرفته شد، در آزمایشگاه با دقت امتحان شد. کروز بالاخره در پایان آخرین روز فیلمبرداری صحنه به سلامت به داخل اتاق بازگشت به گفته برد، کروز در آن موقع رو به کار گردان کرد و لبخند بزرگی روی لبانش نقش بست. بعد پرسید: «کی دیواره برمی‌گرددیم؟»

کوتاه‌شده از نیویورک دیلی نیوز